

روایتی از زندگی موسی سلامت

جنبازی که یک پرسپولیسی دو آتشیه است

موسی، عاشق همت

۱۰



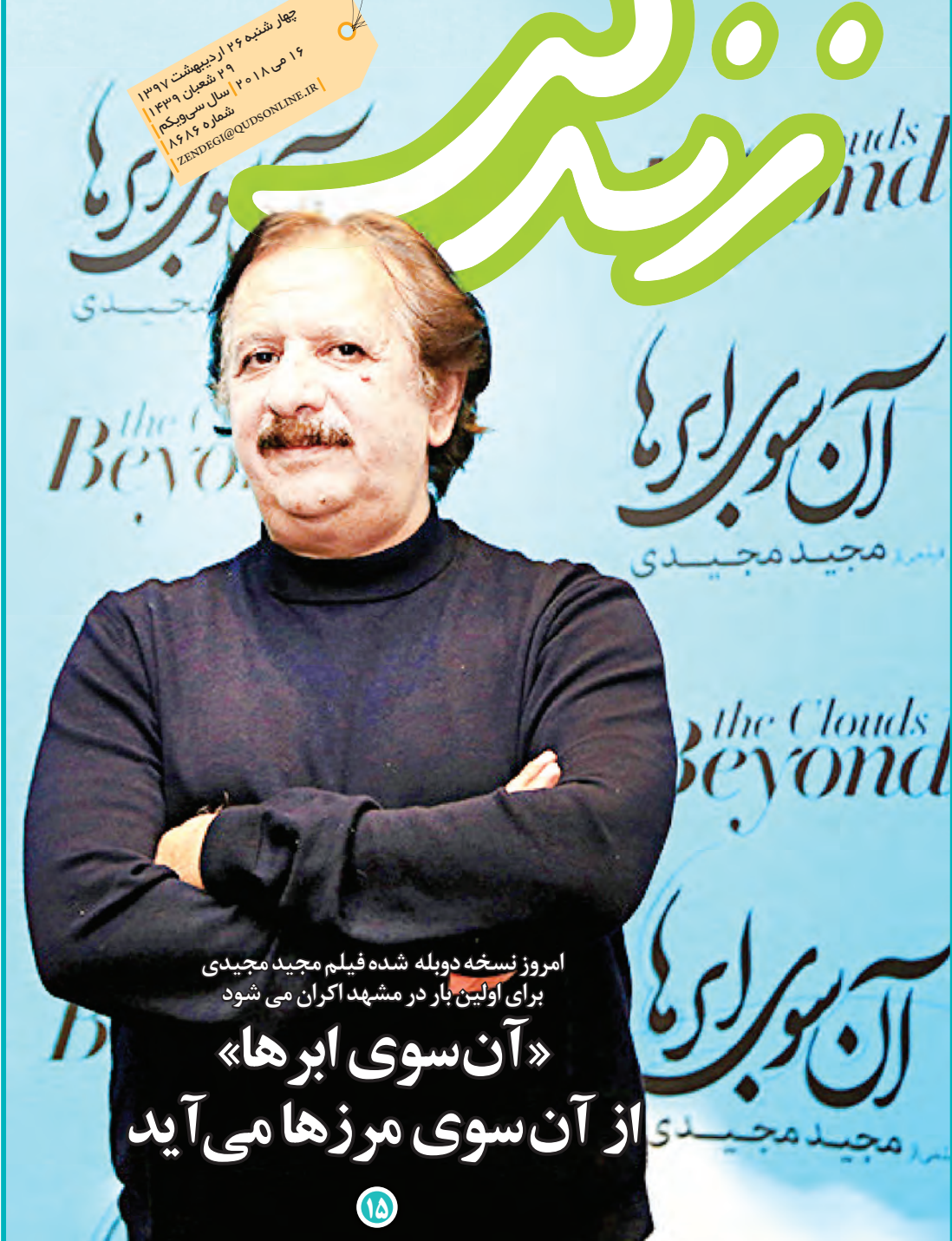
در صفحه ایستگاه امروز می خوانید

آیا «ابوصالح» شهید شده است؟

۱۶



چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۷  
۱۶:۰۱:۱۸ | ۲۹ شعبان ۱۴۳۹  
سال سی و یکم  
شماره ۸۶۸۹  
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR



امروز نسخه دوبله شده فیلم مجید مجیدی برای اولین بار در مشهد اکران می شود

«آن سوی ابرها» از آن سوی مرزها می آید

۱۵



محمد رضا میری، هنرمند مشهدی از ماجرای تولد یک نقاشی دیدنی می گوید

انتفاضه رو به رشد

۱۴

خط قرمز

خط گزارش

مدیرکل مدیریت بحران خراسان رضوی ضمن تکذیب خسارت جانی هشدار داد

سامانه بارشی فعال است، مراقب باشید

خط قرمز: مدیرکل مدیریت بحران استانداری خراسان رضوی اعلام کرد: بارش باران همچنان در استان ادامه دارد، بنابراین شهرستانان در حضور در حاشیه رودخانه ها خودداری کنند.

حجت علی شایانفر در رابطه میزان بارش ها و خسارت های وارده به خبرنگار ما گفت: براساس بارش هایی که طی این چند روز شاهد آن بودیم، در شهرستان کلات با میانگین ۳۸/۶ میلی متر، زنگنه تلوئو در گسر ۴۷ میلی متر، احمد آباد مشهد ۵۷ میلی متر بارندگی داشته ایم.

بیشترین خسارت متعلق به مشهد، کلات و تربت جام

وی تصریح کرد: در این خصوص در شهرستان های مشهد، کلات و تربت جام شاهد بیشترین خسارت ها بوده که بر اثر بارش باران و جاری شدن آب رخ داده است.

علاوه بر آن در تربت حیدریه، جویون و رشتخوار گزارش های محدودی از ایجاد خسارت به ما اعلام شده است.

مدیرکل مدیریت بحران استانداری خراسان رضوی بیان داشت: در برخی از شهرستان ها شاهد توفان و در تعدادی هم شاهد باران بوده ایم.

در منطقه صالح آباد پس از آغاز بارش ها ۱۳ روستا دچار قطعی برق شده بودند که فوری اقدام های مورد نیاز در این زمینه آغاز و برق تمامی روستاها تا نیمه شب دوشنبه وصل شد.

وی ادامه داد: آب شرب روستای قره تیکان کلات بر اثر بارش ها قطع که در حال حاضر آب رسانی به روستا به صورت سیار صورت می پذیرد.

سه جاده روستایی در شهرستان کلات، چند راه روستایی در تربت جام و شهرستان درگز قطع شد که اکثر این راه ها مجدد با تلاش نیروهای مربوطه بازگشایی و رفت آمد در آن محل ها به حالت عادی بازگشته است.

خسارت جانی نداشته ایم

وی ضمن تکذیب خسارت های جانی در این روزهای بارانی، در تشریح این موضوع بیان کرد: تاوجه به اینکه در برخی رسانه ها خبرهایی در رابطه با کشته شدن هم استانی ها در طی جاری شدن سیل منتشر شده بود، باید به اطلاع برسانم که این گونه نیست و تا به این لحظه (صبح روز گذشته) کسی جان خود را از دست نداده است.

وی به تعداد آب گرفتگی در مشهد اشاره و در این رابطه گفت: در معابر، منازل و... سطح مشهد ۵۶ مورد آب افتادگی داشته ایم. همچنین بر اثر شدت بارش ها پنج درخت روی خودروهای پارک شده سقوط کرد.

طبق آخرین گزارشی که هلال احمر خراسان رضوی به ما داده است، تا به این لحظه حدود ۱۸۹ خانوار دچار حادثه شده بودند که در این زمینه به ۱۷۴ نفر هم امداد رسانی شد.

مدیرکل مدیریت بحران استانداری خراسان رضوی، اظهار کرد: اکیپ های عملیاتی در حال حاضر مشغول ارائه خدمات هستند تا پاکسازی های مورد نیاز صورت پذیرد و همچنین خسارت های وارده مورد ارزیابی قرار بگیرد.

سامانه بارشی فعال است مراقب باشید

وی ادامه داد: طبق پیش بینی های انجام شده این سامانه همچنان در استان فعال است که براساس آن امروز (چهارشنبه) با حضور سامانه بارشی در استان شاهد تداوم بارش ها خواهیم بود.

وی با توجه به تندی و شدید بودن باران های فصل بهار به شهروندان توصیه کرد: شهروندان در حضور در حاشیه رودخانه ها در این ایام بشدت خودداری کنند. همچنین از پارک کردن وسایل نقلیه خود در محل های ناایمن مانند بستر رودخانه ها و زیر درختان خودداری کنند.

حجت علی شایانفر اظهار داشت: در مواقعی که رودخانه ها سیلابی می شوند، باید برای در امان ماندن از حوادث احتمالی به ارتفاعات سیلابی که ارتفاع آن بیش از نیم متر باشد، می تواند یک خودرو را وازگون کند. بر همین اساس اگر شهروندان هنگام عبور از برخی جاده ها مشاهده کردند سیلاب در حال عبور از جاده است به هیچ عنوان از آن محل عبور نکنند؛ چرا که ممکن است در ابتدا عمق آب کم باشد، اما میانه راه قسمتی از جاده دچار آب بردگی شود و خودرو داخل آن فروبرود و همان طور که گفته شد اگر عمق آب از نیم متر بیشتر باشد، خودرو وازگون و موجب حادثه خواهد شد.

حکم اعدام دو نفر از اعضای باند اربابه شیطانی اجرا شد

خط قرمز: صبح روز گذشته دو نفر از اعضای باند

شیطانی که در پوشش مسافر کش شخصی به زنان و دختران تجاوز می کردند طناب دار به گردنشان گره خورد و در ملاعام اعدام شدند.

اعضای باند جنایت ارباب شیطانی برای اجرا کردن نقشه شوم خود از خودروی پراید هاج یک سفید رنگ استفاده می کردند. اعضای باند که پنج نفر بودند برای آنکه طعمه هایشان را بدون هیچ درد سری شکار کنند روی ارباب شیطانی خود آرم تاکسی تلفنی نصب کرده بودند.

آن ها زمانی که همه چیز برای اعمال شیطانی آن ها آماده می شد به حاشیه صدمتری فجر می رفتند و زنان و دختران را به عنوان مسافر سوار خودروشان می کردند! هنگامی که طعمه شیطان صفنان سوار خودروی پراید هاج یک می شد از قبل یکی از اعضای باند هم روی صندلی عقب خودرو نشسته بود.

همین که خودرو حرکت می کرد فردی که روی صندلی عقب خودرو قرار داشت در یک لحظه دستانش را دور گردن طعمه گره می زد و سر او را به سمت پایین می فشارد!

اعضای باند ارباب شیطانی برای آنکه زنان و دختران کترین مقاومت را در مواجهه با رفتار آن ها از خود نشان بدهند در حالی که با سلاح سرد به تهدید آن ها می پرداختند و انمود می کردند هدف آن ها سرقت وجوه نقد و طلا و جواهر همراهشان می باشد.

اما همین که خودرو از شهر خارج می شد همه چیز آشکار و مشخص می شد سرقت طلا و جواهر بهانه ای بیش نبوده و هدف اصلی اعضای باند چیز دیگری است.

در ادامه اعضای باند ارباب شیطانی طعمه های خود را به اتاقکی در حوالی واگنچه می بردند و آزار و اذیت های بی رحمانه خود را عملی می کردند!

پس از اتمام رفتار بی شرمانه با زنان و دختران، اعضای باند نیمه های شب طعمه ها را به شهر باز می گردانند و آن ها را در گوشه ای از شهر رها می کردند.

آنها همچنین برای آنکه طعمه ها در دستگاه قضایی انتظامی شادکامی تنظیم نکنند با تهدید مدعی می شدند خودشان مامور هستند و شکایت ها را به جایی نخواهد برد.

اما همزمان با طرح شکایت یکی از طعمه ها در دستگاه قضایی قضایی «حیدری» معاون دادستان که تبحر خاصی در رسیدگی به این دست پرونده ها دارد، موضوع را مورد بررسی و دستورهای مورد نیاز را به مأموران پلیس آگاهی استان داد تا هر چه سریع تر اعضای باند ارباب شیطانی شناسایی شوند.

این گزارش حاکی است، در ادامه مأموران پلیس با انجام اقدامات فنی و پلیسی دقیق خود توانستند ابتدا سه نفر از اعضای باند را شناسایی و در حاشیه شهر آن ها را یکی پس از دیگری غافلگیر و دستگیر کنند.

همزمان با دستگیری اعضای باند، تعدادی مدرک شناسایی که متعلق به طعمه ها بود، در داخل خودروی

به دور باشند تذکر می دهیم از این خیال و خواب خام بیدار شوند.

برخی پرونده ها هم در دستگاه قضایی در حال رسیدگی و صدور حکم است که در آینده ای نزدیک شاهد اجرای احکام مربوط خواهیم بود تا اجرای احکام مذکور بتواند ضامن امنیت جامعه باشد.

دادستان مرکز استان در مورد روند قضایی پرونده های قتل دو کودک مشهدی هم بیان داشت: روند قضایی و انتظامی دو پرونده به سرعت انجام شده است که بر همین اساس پرونده های مذکور با صدور کیفرخواست به دادگاه دستگیر شدند.



عکس: قدیس

کیفری استان ارسال شده است.

دادستان مشهد اظهار داشت: با تأکیدی که رئیس کل دادگستری استان داشته اند پرونده ها به صورت فوق العاده و خارج از نوبت رسیدگی و احکام مقتضی هم صادر خواهد شد. مطمئناً احکام صادر برای ثبات امنیت در جامعه تأثیر به سزایی خواهد داشت.

همچنین قاضی «خدایشی» سرپرست دادرسی انقلاب مشهد در حاشیه اجرای حکم اعدام دوعضو باند شیطانی گفت: اعضای باند طعمه های خود را به مکان های که خالی از سکنه و مکان هایی که از قبل برای اقدامات آن ها فراهم شده بود منتقل و پس از سرقت لوازم با ارزش همراه طعمه ها، آنها را مورد تجاوز به عفت قرار می دادند و آن ها را به شیوه های مختلفی مورد آزار و اذیت قرار می دادند.

معاون دادستان و سرپرست دادرسی انقلاب مشهد تصریح کرد: خوشبختانه در ادامه با تلاش مأموران پلیس تمامی متهمان شناسایی و دستگیر شدند که در نهایت حکم متهمان در شعبه اول دادگاه انقلاب مبنی بر «فساد مذکور در کوتاه ترین زمان صادر و قطعی شد تا امروز شاهد اجرای آن باشیم.

قاضی «صادقی» ادامه داد: خانواده ها باید مراقبت های لازم را روی رفتار فرزندان داشته باشند و به هشدارهایی از اعضای باند را شناسایی و در حاشیه شهر آن ها را یکی پس از دیگری غافلگیر و دستگیر کنند.

همان با دستگیری اعضای باند، تعدادی مدرک شناسایی که متعلق به طعمه ها بود، در داخل خودروی

خط خبر

گفت و گو با وکیل پرونده کودک آزاری در کرج

پدر قربانی دیوانه نیست

قدس آنلاین: فریبرز برای اینکه همسرش را تحت فشار قرار بدهد روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت ماه شروع به شکنجه دختر معلولش می کند و از صحنه هم فیلم می گیرد و برای مادر نگار می فرستد اما وقتی می بیند گوشه اش خاموش است آن را برای خواهر همسرش می فرستد و این گونه ماجرا فاش می شود

آقای جهرمی (وکیل پرونده کودک آزاری در کرج) بفرمایید ریشه اختلاف فریبرز با همسرش که زمینه ساز شکنجه نگار توسط پدرش شده است، چیست؟

فریبرز و همسرش سر بعضی مسائل باهم اختلاف داشتند اما مهم ترین آن ها ارتباط نامشروع متهم با زن دیگری بوده است. دوم اینکه وی دست بزن داشته و این اقدام برایش به یک عادت تبدیل شده بود. اوایل با کمربند و با پشت و لگد به جان همسر و بچه های خود می افتاد اما با گذشت زمان با چوبدستی، طناب و قمه قربانیان را مورد ضرب و شتم قرار می داد و این کار را تا زمانی که منجر به شکنجه یا خونریزی نمی شد، ادامه می داد! از سوی دیگر تلاش فریبرز برای تماس تلفنی با همسرش به نتیجه ای نرسید چون او می خواست با مراجعه به دادسرا از شوهرش که اقدام به سوزاندن دست و کمرش کرده بود، شکایت کند. به هر حال فریبرز برای اینکه همسرش راحت فشار قرار بدهد روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت ماه شروع به شکنجه دختر معلولش می کند و از صحنه هم فیلم می گیرد و برای مادر نگار می فرستد، اما وقتی می بیند گوشه اش خاموش است آن را برای خواهر همسرش می فرستد و این گونه ماجرا فاش می شود و بدین ترتیب متهم روز شنبه چهاردهم اردیبهشت دستگیر می شود.

«تقتید فریبرز همسرش و فرزندانش را با چوبدستی قمه و ... شکنجه می کرد، آیا در بازرسی از منزلش آلات جرم هم کشف شده است؟

بله، در بازرسی از خانه اش اداواتی چون شوکر برقی، باتون، طنابی که در فیلم دیده می شود و دو سه تا قمه پیدا شده است، حتی یک چوبدستی ضبط شده که روی آن آثار خون وجود دارد. همین طور روی دیوار اتاقی که همسر با بچه هایش را می زد آثار خون مشاهده شده است. جدا از ضرباتی که با قمه به سر و صورت نگار وارد می شود و قبلی هم که در راهله ها و فضای مجازی از صحنه جنایت پخش شده این موضوع را اثبات می کند. نگار از لحاظ جسمی و روحی هم به شدت آسیب دیده است. در واقع فقط یک سوم فیلم آزار جسمی و روحی قربانی در فضای مجازی پخش شده است که صحنه های دلخراش وارد کردن قمه به سر نگار را نشان می دهد، در حالی که در فیلم کامل آن صحنه هایی از آزارهایی روحی وارده به این دختر معلول وجود دارد. مثلاً در یک جایی فریبرز به دخترش می گوید آخرین حرفت چیه با فردا می خواهم جنازه ات را تشییع کنیم می خواهی کجا دفنت کنیم؟

آقای جهرمی در مجموع چه اتهاماتی در پرونده به فریبرز وارد شده و آیا ایشان اتهامات وارده را پذیرفته است؟

تاکنون چند اتهام به ایشان وارد شده که اقدام به ضرب و جرح نگار، تهدید به قتل نگار و مادرش، تهمت و افترا به فحاشی به خانواده همسر و تهدید به قتل خواهر زن از آن جمله است.

پرونده آن در چه مرحله ای است؟

پرونده در حال حاضر در مرحله تحقیقات مقدماتی و بازپرسی است «تجر به نشان داده بیشتر والدینی که اقدام به ضرب و شتم فرزندان خود می کنند به مواد مخدر اعتیاد دارند و دچار یکی از اختلالات روحی است وضعیت متهم این پرونده از لحاظ یاد شده چگونه است؟

خیر. فریبرز رزمی کار و قهرمان کیک بوکسینگ است و به هیچ نوع مواد مخدری معتاد نیست از نظر روحی سابقه هیچ نوع اختلال روانی ندارد. تنها دفاعی که از خود می کند این است که می گوید در هنگام ارتکاب جرم عصبی بوده و در حالت عادی قرار نداشته است.

آلان فریبرز در زندان است یا آزاد شده است؟

متهم همچنان در بازداشت موقت و در زندان مرگزی کرج است. «فکر می کنید چه مجازات یا چند سال حبس در انتظار فریبرز است؟

آلان مشخص نیست اما حداقل سه سال حبس.

آقای جهرمی وضعیت نگار چگونه است؟

به علت اصابت قمه سر نگار از چند جا آسیب دیده اما از سه نقطه شکاف بر داشته که بخیه شده است. بینی وی هم شکافته شد. در گردنش هم آثار طنابی که به وسیله آن او را می کشیدند هم وجود دارد، یعنی از نظر جسمی و روحی هم خیلی آسیب دیده و هنوز روی شوک است. به هر حال به رغم اینکه قرار بود امروز از بیمارستان ترخیص شود، همچنان تحت نظر پزشکان بیمارستان است.



## گفت و گو

### گفت‌وگو با یکی از جانبازان پرسپولیسی آسایشگاه نارالله من سبیل‌م را دوست دارم!

**ا مردم /** علی نما پورا | وارد آسایشگاه که شدم، ویلچری زیر طاقچه قرار گرفته بود. با ترس و لرز ویلچر را برگرداندم و با احساسی که نمی‌دانستم از کجا نشأت می‌گیرد بر روی آن نشستم، یک‌دفعه پنجره اتاق بشدت به چارچوبش برخورد کرد تا همزمان از افکاری که به سراغم آمده بود و صدای لرزش شیشه‌ها شوکه شوم. تصور اینکه به تخت و ویلچر تنیده شده باشم، زانوهایم را ناخوداگاه شلل کرد. مات و میهوت به محوطه زل زده بودم. دلم می‌خواست به این فکر کنم که آیا حاضرم روی ویلچر بنشینم؟ تصمیم‌گیری در این زمینه آدم را در همان جایی که ایستاده است می‌خشکاند، همان اتفاقی که برای من افتاده بود. برای ما تمام دغدغه، افکار و دیالوگ‌مان خرید ماشین، خانه و... است، اما کسانی که این‌جا هستند بخوبی با تخت و ویلچر،هایشان انس گرفته‌اند.

#### ساعت ۱۲:۰۳ – ولنجک – آسایشگاه جانبازان نارالله

دم در ورودی اصلی نزدیک خیابان بر روی تخت چرخداری دراز کشیده و لحاشش را روی پاهایش انداخته بود، شاید هم اصلاً پایی در کار نبود. فیروز میرزا نژاد جانباز نخاعی ۷۰ درصد، ۵۲ سال سن دارد. او از بختیاری‌های اهل خوزستان بود. ۱۵ سال و ۵ ماه داشت که جانباز شد. درباره شب قبل از اینکه جانباز شود، می‌گوید: به علت جراحات دوستش که به شهادت رسیده بود، لباس‌هایش خونی می‌شوند، ظهر روز بعد برای شستن لباس‌های خونی‌اش به سمت تانکر آب می‌رود که خمپاره در پشت سرش فرود می‌آید و ترکش خمپاره او را جانباز می‌کند.

#### جانباز ۷۰ در صدی هوادار پرسپولیس

چهره خاص و متفاوتی دارد. شاید بیش از هر چیز دیگری چهره‌اش مرا به خود جذب کرده بود. می‌پرسم چرا در نواحی به جنگ رفتی؟ می‌گوید: «بچه‌های جنوب به خوبی منطقه را می‌شناختند و باید به جنگ می‌رفتند. من در آن زمان بچه مدرسه‌ای بودم. البته نه فقط من، بلکه خیلی از بچه‌های دیگر هم. دررستان را رها کردند و برای دفاع از آب و خاک و ناموس این سرزمین به جنگ رفتند. این موضوع برای ما یک وظیفه بود. ماه رمضان بود و مصادف شده بود با تابستان. بعد از در گیری‌های شدید و جنگ تن به تن، عراقی‌ها ما را محاصره کردند و عملیات لو رفت. آن‌ها بی‌رحمانه ما را در این عملیات درو کردند»

خانواده‌اش در عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس با رفتن به جبهه مخالفتی نداشت‌اند، اما در مورد عملیات رمضان موافق ندهود‌اند. حتی قبل از این عملیات برای اینکه از خانه فرار نکنند او را در اتاقی زندانی می‌کنند، اما او کولر را کنار می‌زند و در را باز می‌کند و در اتوبوسی که به سمت اهواز می‌رود مخفی می‌شود تا به جبهه برود.

#### سبیل‌های متفاوت

سبیل‌هایش او را کاملاً از سایر جانبازان جدا کرده بود. دائماً با دست سبیل‌هایش را تاتب می‌دهد. می‌پرسم: چهره شما با سایر جانبازان در این آسایشگاه فرق می‌کند. می‌گوید: بختیاری‌ها همه سبیل می‌گذارند. من سرم برود سبیل‌م نمی‌رود. بچه حزب‌اللهی‌ها به سبیل‌هایم گیر می‌دهند، اما من زیر بار نمی‌روم. هر کسی یک چیزی را دوست دارد من هم سبیل دوست دارم.



#### چه شد که به پرسپولیس علاقه‌مند شدی؟

من از سال ۶۱ در منطقه به پرسپولیس علاقه‌مند شدم. این اولین‌ا که طرق رادیو درباره شاهین می‌شنیدم و بازیکنان شاهین برای دیدن بچه‌ها به منطقه می‌آمدند.

#### با استقلای‌های آسایشگاه کری خوانی دارید؟

بله، حسابی با هم کری داریم. اما روی استقلای‌ها را کم کرده‌ایم. آقا کریم محمدی که استقلای است، مگر می‌توانیم جلوی او اسم استقلال را به بدی بیلوریم؟ (می‌خندد) اما من همواره به او زنگ می‌زنم و باخت‌های استقلال را به او تسلیت می‌گویم.

#### برای تماشای بازی‌های پرسپولیس و رفتن به ورزشگاه آزادی مشکلی نداری؟

هر وقت می‌خواهیم به ورزشگاه برویم مصیبت است. کارت عضویت هم داریم، اما اجازه نمی‌دهند. باید پارتی داشته باشیم. حتی یک بار با آمبولانس ما را به ورزشگاه آزادی بردند، اما اجازه ندادند که پایین برویم و دور زمین بازی را ببینیم. مجبورمان کردند در جایگاه معلولان قرار بگیریم. وضعیت جایگاه بسیار بد است. سروصدا اصلاً اجازه نمی‌دهد که چیزی را متوجه شویم. حتی به مسئولان هم این مسئله را گفتیم اما اتفاقی نیفتاد.

#### کدام بازیکنان پرسپولیس را بیشتر دوست داری؟ مهدوی کیا، کریمی، باقری، پیوس، شاهرودی، میناوند و محمد نوری را خیلی دوست دارم.

#### خیلی‌ها معتقدند این پولی که به بازیکنان پرداخت می‌کنند حقشان نیست؛ا شما به عنوان کسی که از جسم و جانتان برای این سرزمین گذاشتید چه تصویری دارید؟ امیدوارم به همان میزانی که پول می‌گیرند همان قدر هم زیبا بازی کنند؛ اما اگر پول بگیرند و زیبا بازی نکنند، این پول نارواست ولی اگر زیبا بازی کنند باید خیلی بیشتر از این‌ها هم پول بگیرند.

کنم. وقتی این مسئله را به فرماندهانم در جنگ گفتم، آن‌ها از من به عنوان مترجم استفاده می‌کردند.

#### شما در این همه سال که فوتبال می‌بینید، به یک کارشناس خبره بدل شده‌اید. به نظر تان مشکل ورزش ما چیست؟ مشکلی که اکنون در زندگی همه ما پیش آمده این است که قدر همدیگر را نمی‌دانیم، در حالی که وقتی کسی را از دست می‌دهیم، تازه به فکر می‌افتیم که چرا قدر داشته‌هایمان را ندانستیم. مثلاً مرحوم هادی نوروزی پسر بااخلاق و مهربانی بود. هیچ وقت حاشیه‌ای درست نکرد، اما می‌توانم بگویم کسی قدرش را ندانست. بازیکنی مثل هادی خیلی کم است که این قدر کم حاشیه، مهربان و باگذشت باشد. من فکر می‌کنم بهتر است امروز به فکر خانواده‌اش باشیم و به آن‌ها بیشتر توجه کنیم.

#### دیگر چه خواسته‌هایی از مسئولان ورزش بخصوص مسئولان باشگاه پرسپولیس دارید؟

از مدیران باشگاه پرسپولیس می‌خواهم بیشتر از این‌ها به من توجه کنند. گاهی فکر می‌کنم انگار اصلاً برایشان مهم نیست که من در سرما و گرما به ورزشگاه می‌روم و حتی در بازی‌های خارج از تهران هم کنار تیم هستم.

#### این مسئله را به مسئولان باشگاه هم گفت‌اید؟

نه. نمی‌توانم چنین حرف‌هایی به آن‌ها بزنم. البته من هیچ چیزی از هیچ کس نمی‌خواهم و دوست ندارم تصور غلطی درباره این گلایه من پیش بیاید. فقط انتظارم این است که مرا هم ببینند. این فقط یک دلنگنی است که مطرح کردم.

#### در این سال‌ها حتماً خاطرات زیادی از حضور در ورزشگاه دارید. بهترین خاطره‌تان در این سال‌ها چیست؟

هر وقت که به ورزشگاه می‌روم، برایم خاطرات خوب زیادی ساخته می‌شود. یادم هست یک بار که پرسپولیس با ملوان در تهران بازی داشت، طبق روال همیشه، وقتی از تونل به سمت نیمکت پرسپولیس می‌رفتم، در راه سعی کردم به هواداران ملوان که به ورزشگاه آمده بودند، خوشامد بگویم. ولی وقتی به سمت سکوی آن‌ها رفتم، برخی از تماشاگران فکر کردند من می‌خواهم برای آن‌ها کسری بخوانم و به همین خاطر به من فحاشی کردند. البته بعد متوجه اشتباهشان شدند و وقتی فهمیدند عکس یکی از هم‌زمان شهیدم را در دست دارم، به بکیاره نظرشان تغییر کرد و مرا تشویق کردند. من هم به رسم میهمان نوازی دوباره به آن‌ها خوشامد گفتم.

#### و بدترین خاطره؟

علی دایی در دوره اول سرمربی‌گری‌اش توانست دو بار پرسپولیس را به فینال جام حذفی برساند. در مرتبه دوم، برای انجام بازی برگشت ما به بندرانزلی رفتیم. در همان بازی پرسپولیس موفق شد قهرمان شود. بعد از بازی، تعدادی از تماشاگران ملوان بندرانزلی داخل زمین ریختند، پلیس هم برای متفرق کردن آن‌ها مجبور شد گاز اشک‌آور شلیک کند. به این دلیل که من جانباز شیمیایی هستم، تنفس برایم دشوار شد و به سرفه کردن افتادم. از طرف دیگر، هجوم تماشاگران موجب شد از روی ویلچر به زمین بیفتم. واقعاً لحظات سختی برای من بود و واقعاً مرگ را جلوی چشم دیدم. اگر پلیس نبود و به دادم نمی‌رسید، ممکن بود اتفاق بدتری برایم رخ بدهد. البته خاطره از سختی‌های ورزشگاه آمدن زیاد دارم.

#### امروز هم موسی سلامت برای دفاع از این کشور آماده‌است؟

بله. اگر باز هم کشوری بخواهد به ما حمله کند یا آمریکا بخواهد به کشور ما دست درازی کند، آن قدری که توان داریم در خلیج فارس با او می‌جنگیم و تا خونمان آب خلیج فارس را سرخ نکند، آرام و قرار نمی‌گیریم. اگر هم مردم با جناز‌هایمان برای جوانان عزیزی که پشت ما می‌جنگند، سنگر درست کنند تا آن‌ها آسیب نبینند، این را گفتم که برخی فکر نکنند اگر ما گاهی حرفی می‌زنیم معنایش این است که از این ارزش‌ها دست کشیده‌ایم. من و امثال من، اگر هم گاهی حرف می‌زنیم شکایت نمی‌کنیم، حکایت می‌کنیم.

#### و حرف آخر؟

کار ما به این سادگی تمام نمی‌شود و باید همیشه برای جانبازی آماده باشیم. برای همین از همین جا اعلام می‌کنم هر کدام از مردم به کلیه احتیاج داشته باشند، من کلیه‌ام را به او می‌دهم. هر کس چشم بخواهد، چشمم را به او می‌دهم. برای بعد از مرگ هم وصیت کرده‌ام که قلب و اعضای مفیدم را به مستضعفانی که به آن‌ها احتیاج دارند، بدهند. اگر کسی حتی چرخ و تخت‌خوابم را بخواهد، می‌دهم و بعد از این روی زمین می‌خوابم.



### روایتی از زندگی موسی سلامت؛ جانبازی که یک پرسپولیسی دوآتیشه است

# موسی، عاشق همت

**ا م مردم |** چشم‌ت قبیاق می‌رود اگر چند دقیقه ویلاگش را ببینی. بعید است بشود بیشتر از یکی دو دقیقه بگ‌گراند قرمز برق ویلاگ «عاشقی همت» را تحمل کرد؛ ویلاگ «موسی سلامت» که هر چند از سال ۹۵ به روز نشده، ولی کم کمش روزی ۲۰۰بار دیده می‌شود. داخلش هم پر است از عکس‌های عمو موسی کنار زمین فوتبال، خبر شهادت جانبازهای دفاع مقدس، اخبار پرسپولیس و... غیر از این ویلاگ اما، عمو موسی در صفحات دیگر فضای مجازی هم آدم معروفی است. یعنی فقط جست‌وجوگر

عمو موسی به سختی می‌شنود. به سختی هم صحبت می‌کند. برای همین هم گفت‌وگو با او خیلی آسان نیست و نمی‌شود مصاحبه خیلی مفصلی با او داشت. مصاحبه حاضر هم از میان شکسته‌گویی‌های عمو موسی و حرف‌هایی است که او به دشواری لب‌خوانی می‌کند و کلماتی که به سختی می‌گوید.

اگر موافقت‌برای شروع مصاحبه خودتان را بیشتر برایمان معرفی کنید. من موسی سلامت، متولد سال ۱۳۳۳ در نجف عراق هستم و چهار خواهر و پنج برادر دارم.

یعنی اصلیت شما عراقی است؟ نه. پدر و مادرم اهل یزد بودند که برای زیارت عتبات به عراق رفتند؛ اما به عشق اهل‌بیت(ع) آن‌جا ماندند و من در نجف به دنیا آمدم. به همین خاطر از ابتدا به عربی مسلط بودم. البته وقتی ۶ ساله بودم به ایران آمدم و از آن زمان در ایران زندگی کردم.

#### کدام عملیات‌ها را در جبهه حضور داشتید؟

در همان سال‌های ابتدایی جنگ از طریق بسیج لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) عازم جبهه شدم و در عملیات‌های رمضان و مسلم بن عقیل(ع) حضور داشتم.

#### هم‌زمان‌های معروفی هم داشتید؟

بله. شهیدان همت و متوسلیمان شاخص‌ترین هم‌زمان ما و فرماندهانمان بودند. البته تمام بچه‌های لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) هم‌زم من بودند.

#### و چرا این عکس‌ها را از هم‌زمانتان به دیوار اتاق زده‌اید؟

عکس‌ها را زده‌ام تا یاد شهدا با من باشد و منحرف نشوم. یاد شهدا آدم را از انحراف دور می‌کند. وقتی این عکس‌ها را می‌بینم واقعاً لذت می‌برم؛ فکر می‌کنم در بهشت هستم.

#### وضعیت جانبازی‌تان چطور است؟

من قطع نخاع از کمر، ناشنوا و شیمیایی هستم و یک گلوله هم در کنار قلبم هست و هنوز بیرون نیامده. اتفاقاً خیلی وقت‌ها درد می‌کند. از مردم می‌خواهم که برایم دعا کنند تا زودتر شهید شوم. اگر چه خودم می‌دانم که لیاقت شهادت را ندارم.

#### شما از آن آدم‌های شوخ طبع جبهه بودید، درست است؟

شوخ طبع که هستم و جک هم زیاد تعریف می‌کنم. هم می‌خندم و هم گریه می‌کنم.

گوگل در یک قلم سرچ ساده در بیست و پنج صدم ثانیه، ۳۷۶هزار نتیجه برای اسم عمو موسی پیدا می‌کند؛ صفحاتی پر از اسم و عکس این جانباز پرسپولیسی معروف؛ تصاویری از علی کریمی، امیر پوردستان، حسن روحانی، برانکو، مهدی طارمی و صدها آدم جورواجور دیگر در کنار عمو موسی.

تصاویری که نشان می‌دهد او در بازی‌هایی که پرسپولیس از حضور تماشاچی‌ها محروم بوده، یک تنه جور چند ده هزار تماشاچی را می‌کشد، تصویر وقت‌هایی که او تلاش می‌کند

#### برای ما هم جک تعریف می‌کنید؟

یکی از زمندگان می‌رود بانک، ضامن نداشت، متفجر می‌شود.

#### چند سال است که در آسایشگاه زندگی می‌کنید؟

نزدیک به ۳۰ سال.

#### شما را به عنوان یک چهره ورزشی می‌شناسند. علاقه‌تان به فوتبال از کجا شکل گرفت؟

من همیشه عاشق فوتبال بوده و هستم. حتی در جبهه هم دو تیم می‌شدیم، استقلالی‌ها یک طرف و پرسپولیسی‌ها هم یک طرف. آنجا با هم فوتبال بازی می‌کردیم.

#### کری خوانی هم داشتید؟

بله. البته در کمال احترام و فقط برای آنکه از فوتبال لذت ببریم، برای هم کری می‌خواندیم. مثل الان نبود که دو طرف به هم بی‌احترامی کنند

#### می‌دانید چقدر عکس از شما در کنار نیمکت پرسپولیس در اینترنت وجود دارد؟

بله. خیلی زیاد. از این مسئله هم واقعاً لذت می‌برم.

#### روایتی از میهمانی در اتاقی سرتاسر سرخ

او را می‌شود این‌طور توصیف کرد: طرفدار پروپاقرص پرسپولیس، عاشق سینه جاک شهیدان همت و بروجردی، اهل سلمی یا طرفداران، مشتری پر و پاقرص اینستاگرام و فیس‌بوک، جانباز ۷۰ درصد و دارای قلبی بزرگ که ترکیش در همسایگی دارد.

موسی سلامت بیش از ۳۰ سال از بهترین سال‌های جوانی و عمر خود را در اتاقی کوچک اما با صفا در یکی از آسایشگاه‌های تهران سپری کرده. او جانبازی ۶۴ ساله، خورشو و خوش‌مضمر است که یک بار در عملیات «مسلم بن عقیل» و بار دیگر در انفجار نماز جمعه تهران به درجه جانبازی نائل آمده. قطع شدن نخاع او حاصل ترکش‌های یک انفجار در خط مقدم است و ناشنوایی او هم از انفجار در نماز جمعه به یادگار مانده. هر چند غیر از این‌ها تکلمش هم با مشکل روبه‌روست و همین مسئله هم گفت‌وگو با او را دشوار می‌کند.

وارد اتاق عمو موسی می‌شوی، همه چیز قرمز رنگ است؛ از در و دیوار گرفته تا رویه میز، روتختی و حتی کلاهی که خودش بر سر دارد. در تیررس دید، عکس بزرگی از شهید همت آویزان است. عکس دیگری هم هست که از بقیه تصاویر بزرگ‌تر چاپ شده؛ تصویری از عمو موسی همراه با علی کریمی.

روی دیوار دیگر تصویری از شهیدان محمد بروجردی و حسن آبناسان

هر بازی پرسپولیس برایم خاطره‌انگیز است. به خاطر همین مسائل هم هست که می‌گویم باید پرسپولیسی باشید تا حال و هوای مرا درک کنید. عکس‌هایی که قبلاً در ورزشگاه گرفته‌ام را هر وقت می‌بینم، خاطرات زیادی برایم تداعی می‌شود. همان لحظات هیچان آن اتفاقات برایم تداعی می‌شود. یک حس عالی است.

به غیر از بازی‌های پرسپولیس، شما را در محل بازی‌های تیم‌های ملی کشورمان در رشته‌های غیرفوتبالی هم دیده‌ایم. در این مورد توضیح می‌دهید؟ برای من موجب افتخار است که می‌توانم در کنار بچه‌های تیم ملی در هر رشته‌ای باشم. به سالن‌های والیبال و کشتی هم رفته‌ام و برای همه ورزشکاران ایران آرزوی موفقیت می‌کنم. آن‌ها تلاش زیادی داشته‌اند تا به این جایگاه برسند.

می‌گویند شما در جنگ نقش مترجم را هم داشته‌اید. این ماجرا درست است؟ بله. من چون در عراق به دنیا آمده و در همان کشور بزرگ شده‌ام، می‌توانم به عربی صحبت

## روایت

# جانبازی به رنگ پرسپولیس!

خودنمایی می‌کند، درست کنار پیراهنی که نام عمو موسی بر آن نقش بسته و گویا یادگاری‌ای از علی کشافیان است، زمانی که مدیر فدراسیون فوتبال بوده.

هر میهمانی که وارد این اتاق می‌شود با دیدن نوشته‌ها متوجه دلبستگی عمو موسی به شهیدان حاج ابراهیم همت، حاج احمد متوسلیمان، محمد بروجردی و... می‌شود، هر چند رنگ‌ها هم حکایت از علاقه و تصعب فوتبالی عمو دارد.

تزیینات این اتاق هم حکایت خودش را دارد. برخی یادگارهایی از فوتبال است و برخی از جنگ. گوشه‌ای از اتاق یک بی‌سیم، یک گوله‌بشتی و یک نارنجک عمل نکرده قرار گرفته. جای دیگر تابلویی که رویش نوشته شده: «به کلیه عاشق همت خوش آمدید».

عمو موسی خیلی به‌روز است، این را از تلویزیون بزرگی که مقابلش قرار گرفته و صفحات شبکه‌های اجتماعی که داخلش باز است، می‌شود فهمید. لابه‌لای این صفحات هم مانند فضای اتاق یا حرف از دفاع مقدس است یا دفاع و هافبک پرسپولیس. درست مانند صحبت‌های عمو که دو وادی بیشتر ندارد. یک بار می‌گوید: «زنده‌باد پرسپولیس» و بار دیگر یادای از هم‌زمانش می‌کند و اینکه «اگر ۴۰ نفر مثل بروجردی داشتیم ایران گلستان می‌شد».

#### گزارش تصویری



تصویر قدیمی عمو موسی همراه با حمید استیلی، زمانی که هر دو جوان بودند



عمو موسی تصویر خود و سردار سلیمانی را در گوشی‌اش نشان می‌دهد



معروف‌ترین تصویر عمو موسی؛ وقتی او تلاش می‌کند به احترام سرود جمهوری اسلامی خبردار بایستد

















## ادب و هنر

**چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۷**

**۱۴** | ۲۹ شعبان ۱۴۳۹ | ۱۶ می ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۸۶۸۶

### یادداشت



### بررسی شعر انقلاب در موضوع آرمان قدس | دکتر محمد مرادی

توجه به فلسطین، قدس و سرزمین های اشغال شده شرق مدیترانه، از مضامینی است که دست کم از دهه دوم قرن بیستم میلادی در شعر عربی نمود یافته و به مرور به شعر دیگر ملل و زبان‌ها راه یافته است.

شاید گراف نباشد اگر ادعا کنیم این مضمون یکی از درونمایه اصلی شعر معاصر عرب است تا آنجا که دهها تن از شاعران عربی چون: معین بسیسو، ابراهیم طوقان، فدوی طوقان، حنا ابو حنا، سمیح القاسم، نزار قبانی، محمود درویش، بدر شاکر السیاب، احمد مطر، نزیه خیر، محمد القیسى و دهها تن از دیگر شاعران عربی، اشعاری باشکوه را در این موضوع سروده اند.

در شعر فارسی نیز از نیمه دوم دهه چهل شاعران جریان های اجتماعی، چریکی و مذهبی به این موضوع توجه کرده اند. شاید نخستین شاعر ادب فلسطینی در زبان فارسی محمد علی سپانلو باشد. البته در فاصله ای نزدیک به او کسانی چون: حمید سبزواری، مهرداد اوستا، طاهره صفرازاده و دیگران نیز به این موضوع توجه نشان داده اند.

در سال های پس از انقلاب و پس از تعیین روز جهانی قدس از سال ۱۳۵۸، توجه به این محتوا در زبان فارسی زیاد شد، به طوری که بر اساس پژوهشی که نگارنده انجام داده و به زودی در قالب کتابی با نام «در کوچه باغ های پرتقال و زخم» منتشر خواهد شد، صدها شاعر فارسی در قالب‌های مختلف، اشعاری را در ستایش مقاومت فلسطین سروده اند. هرچند نمی توان برای شعر انقلاب مرزهای قطعی تعیین کرد و با اعتراف به این که اشعار شاعران فارسی در مقایسه با اشاعر عربی از منظرهای ادبی و احکاسی سطح پایین تری دارند، این ادعا گراف نیست اگر این موضوع را یکی از مرزهای محتوایی شاعران انقلاب اسلامی با شاعران جریان روشنفکری بدانیم.

در دهه های شصت و هفتاد، کمتر شاعر جریان انقلاب را می توان نام برد که شعر یا اشعاری با این موضوع نسروده باشد. حمید سبزواری، محمود شاهرخی، ضیا الدین ترابی، علی معلم، یوسف علی میرشکاک، سلمان هراتی، قیصر امین پور، علی رضا قزو، رضا اسماعیلی، حسین اسرافیلی، عبدالجبار کاکایی، زکریا اخلاقی و دهها شاعر دیگر، اشعاری برای فلسطین سروده اند.

در دهه های اخیر هم تحت تاثیر رویدادهای مربوط به فلسطین، لبنان، و دیگر کشورهای مسلمان چون عراق، افغانستان، بوسنی، یمن، بحرین، میانمار، نیجریه و …، صدها شاعر جریان ادبی انقلاب و حتی جریان روشنفکری اشعاری را با این مفاهیم به مخاطبان عرضه کرده اند، کسانی چون: غلامرضا مرادی، پروانه نجاتی، عبدالحمید رحمانیان، محسن رضوی، فاطمه قایدی، علی محمد مودب، علی داوودی، میلاد عرفان پور، امید مهدی نژاد، و محمدحسین انصاری نژاد و…

اما سوال این است، ادبیات انقلاب را چه شده است که بسیاری از شاعرانی که تا کنون بیشترین سهم‌خواهی را متوجه ادبیات و مسئولان آن کرده‌اند، تا کنون کوچک‌ترین قدمی را در رشد ادب انقلاب و مضامین مورد نیاز آن برنداشته اند، جایی که شاعرانی چون سپانلو و بهبهانی که بیش از بهره، از انتقاد جریان انقلاب نصیب برده اند، در برابر ظلم به اهالی فلسطین ساکت ننشسته اند، چرا شاعران مسئول در حوزه هنر و اندیشه اسلامی (جز علی رضا قزو که از فعالان این حوزه است)، یا شاعرانی که صدا و سیما جمهوری اسلامی، تیتراژ برنامه‌ها را با محوریت آنان تولید می کند، کمترین نقش را در تولید اثر این حوزه دارند؟

### خبر

### چهاردهمین نمایشگاه سالانه حروف نگاری پوستر اسماءالحسنی به گزار می شود



هنرمندان ایران گشایش می یابد و ۶۲ خرداد برپاست، مجموع پوسترهای رسیده به این دوره از نمایشگاه ۱۰۳۰ اثر از ۶۷۷ شرکت کننده است، که پس از بحث و بررسی توسط هیئت داوران ۴۴ اثر انتخاب و به نمایشگاه راه یافته است. جلسه هیئت انتخاب نهایی آثار و داوری با حضور مسعود نجابتی، دکتر محمد خزایی، ناصر طابویی، محمد رضا دوست محمدی، علیرضا حصارکی در خانه هنرمندان ایران برگزار شد و نفرت برگزیده این دوره انتخاب شدند. چهاردهمین نمایشگاه سالانه حروف نگاری پوستر اسماءالحسنی توسط پایگاه اینترنتی طراحان مستقل ایران «تودی پوسترز»، بصورت ملی بر گزار می شود.

### تمدید مهلت شرکت در دومین کنگره شعر کتاب دفاع مقدس

**ادب و هنر:** دبیر دومین کنگره شعر کتاب دفاع مقدس، از تمدید مهلت ارسال آثار به دبیرخانه این کنگره تا ۲۰ خرداد خبر داد. حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محمدزمانی گفت: دومین کنگره شعر کتاب دفاع مقدس با محوریت آثاری با موضوع تلاش بانوان در پاسداشت دفاع مقدس و با محوریت سه کتاب «ختر شینا» خاطرات قدوم‌خیر محمدی کنعان از جنگ ایران و عراق، «گلستان یازدهم» خاطرات همسر سردار شهید علی چیت‌سازیان و «راز درخت کاج» داستانی برگرفته از گفت‌وگو با مادر شهید زینب کلمی، برگزار می‌شود تا شاعران با مطالعه این آثار و الهام گرفتن از مضامین و محتوای آن، با طبع آزمایی در این عرصه، آثار جدیدی خلق کنند. او افزود: این کنگره در پنج شاخه «کلاسیک» (غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، ترکیبند، رباعی، دوبیتی و…)، «آزاد» (نیمایی، سپید و…)، «ترانه، سرود، نوحه و قالب‌های آیینی»، «کودک و نوجوان» و «کوتانویشت و پیامک ادبی» پذیرای آثار هنرمندان خواهد بود. وی گفت: علاقمندان به شرکت در دومین کنگره شعر کتاب دفاع مقدس می‌توانند تا پایان وقت اداری ۲۰ خرداد ۹۷ آثار خود را از طریق پست الکترونیکی [razegolestan@iranplir.ir](mailto:razegolestan@iranplir.ir) به دبیرخانه کنگره ارسال کنند. محدودیتی در قالب‌های ارسالی و تعداد اشعار وجود ندارد و درج اطلاعات کامل شاعر ضروری است.

**محمدرضا میری، هنرمند مشهودی از ماجرای تولد یک نقاشی دیدنی می‌گوید**

## انتفاضه‌ای رو به رشد

**ادب و هنر/** زهره کهندل | تابلوی نقاشی

«قدس، پایتخت همیشگی فلسطین» با هشتگ #فق\_نو و #قدس\_شریف، بازتاب هایی در فضای مجازی داشته است، تابلویی که در حاشیه برگزاری ششمین دوره کنفرانس بین المللی افق نو در مشهد، توسط سید محمدرضا میری اجرا شد.

##### از ایده تاجرا

این هنرمند مشهودی در گفت و گو با خبرنگار ما درباره ماجرای شکل گیری ایده این تابلوی نقاشی می‌گوید: بر گزار کنندگان همایش افق نو با من تماس گرفتند و پیشنهاداتی برای اجرای برنامه‌های جانبی در حاشیه برپایی کنفرانس داشتند، از نمایشگاه پوسترکی که محصولات نهضت پوستر انقلاب را به نمایش گذاشته بود تا انتشار کتاب «رمی جمرات» با مقدمه سه زبانه که بیش از ۱۰۰ محصول گرافیکی با موضوع صهیونیسم ستیزی در آن چاپ شده بود و به شرکت کنندگان همایش هدیه داده شد. تولید تابلوی نقاشی هم یکی از اتفاقات حاشیه‌ای این همایش بود که اجرای آن به روز آخر رسید، کشیدن تابلو را صبح شروع کردم و تا زمان اختتامیه همایش به پایان رسید.

او درباره ایده این تابلو توضیح می‌دهد: سعی داشتم که نمادها همه فهم باشد و پیچیدگی نداشته باشد. به لحاظ رنگ هم سعی کردم تا این اثر از تنوع رنگ بهره‌مند باشد و فضای امید و نشاط را به بیننده منتقل کند. ضمن اینکه میهمانان همایش هم پیشنهادهایی داشتند، مثلاً برخی می گفتند صحنه جنایات اسرائیل در نسل کشی فلسطین هم در اثر باشد اما در این تابلو سعی کردم به رشدی که به پیروزی منجر می‌شود، اشاره کنم به همین دلیل از فرم گیاهی که از سنگ بالا می‌آید و نماد انتفاضه

#### کتاب

## بخش بین الملل نمایشگاه کتاب، سیر قهقرایی داشت



**فارس:** خیرسازترین بخش نمایشگاه کتاب «بخش کتب خارجی» بود که با نوسانات ارز و واژگونی دو کامیون و فراز و فرودهایش منعکس کننده چالش‌هایی در ایام نمایشگاه کتاب شد. در پی مشکلات متعدد و خیرسازشدن بخش بین‌الملل نمایشگاه اخیر، حامد میرزاییابی مدیر پیشین دو دوره کمیته بین‌الملل نمایشگاه و مدیرعامل اسبق انجمن ناشران بین‌الملل در ارزیابی‌اش از عملکرد بخش بین‌الملل نمایشگاه سی و یکم، آن را

بسیار بد، قهقرایی و سرفرتی توصیف کرد. او گفت، بخش بین‌الملل نمایشگاه امسال، سرای اهل قلم بین‌الملل را برگزار نکرد، در خدمات گرم‌کی افتضاح به بار آورد، در تخصیص غرفه و مترژز عملکرد شبهه‌ناک و تأمل‌برانگیزی داشت، هیچ مدیریتی بر نرخ ارز و پیش‌اندیشی در خصوص نوسانات بازار از چه برای محاسبه اجاره غرفه و چه برای فروش کتب نداشت، از پهن کردن موکت سالن گرفته تا تخصیص دستگاه پوز و اختصاص کارت پارکینگ، شرکت کنندگان با مشکلات جدی روبه رو شدند، نظارت‌های فنی مثل مقایسه دیتای نرم‌افزاری (مانند نیلسن) انجام نشد و گزارش‌های دقیق و تحلیلی از کتاب‌های عرضه شده در بخش بین‌الملل وجود نداشت، کنیه سر در غرفه‌ها و اطلاع‌رسانی اولیه هم مشکل داشت، ضمن اینکه میزان متقاضی در بخش عربی و لاتین کاهش محسوس داشت.

میرزاییابی ادامه داد: کار اجرایی در بستر پر از ایراد و نقصان و کمبود و سوءنیت‌های گروه‌گرایانه نمایشگاه تهران کار دشواری است، اما وقتی به یک حداقل کیفی دست یافتیم و توانستیم در برهه‌ای آن را پیاده‌سازی کنیم و مجدد برگشتیم به همان شأن نازل سابق، این یعنی سیر قهقرایی، یعنی پسرفت. او دلیل این عقبگرد و افت کیفی را سوء مدیریت دانست و خاطرنشان کرد: سوء مدیریتی که در ضمیر خود منبعث از تسویه حساب‌های شخصی و اغراض گروه‌گرایانه و منفعت‌طلبانه است، موضوع ساختار کجی است که اگر جلوی آن گرفته نشود تا ثریا کج خواهد رفت.

### فارس: نشریه «مسیر» در

پیش‌شماره نخست خود برای اولین‌بار زندگی ادبی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را به روایت خودشان منتشر کرد. به مناسبت ۲۵ اردیبهشت، سالروز بزرگداشت فردوسی و روز پاسداشت زبان فارسی این متن منتشر می‌شود:

##### بدون مطالعه ادبیات به خواب نمی‌روم

«هیچ‌گاه «ادبیات» در زندگی‌ام به‌صورت حرفه و وظیفه درنایمده، بلکه ترواش ذوق ادبی‌ام بود که از نوجوانی در خود احساس کرده بودم. از این رو بود که متن ادبی تأثیری شگرف در من می‌گذاشت و مرا به دنیایی منتقل می‌کرد که فقط کسانی که طبع ادبی دارند و طرافت‌ها و نکات و شکوه آن را درک می‌کنند، می‌توانند به آن باریابند. من هیچ‌گاه از ادبیات جدا نشدم مگر در شرایط سخت اوّل انقلاب که همه وقتم را برُ کرده بود و آن شرایط نرفته‌ما را از ادبیات، بلکه از همه‌چیز جز مسئولیت‌های انقلاب جدا کرد. اما همچنان تا امروز در بستر خوابم یک کتاب ادبی به همراه دارم و به خواب نمی‌روم مگر اینکه گذری در عالم ادبیات کرده باشم.

ذوق شعر من در ارتباطی که با انجمن‌های شعر و ادب دارم و در مطالعه‌ی کتاب‌های شعر عربی و فارسی و سرودن شعر و خواندن رمان‌های ایرانی و عربی و خارجی و همچنین در نوشتن مقاله‌های ادبی درباره‌ی زبان و ادبیات

هستند، بهره‌بردم.

به اعتقاد میری، پیروزی یک امر ناگهانی نیست بلکه اتفاقی است که طی زمان می‌افتد و رشدی است که مردم فلسطین را قدم به قدم به نصرت نزدیک می‌کند. او می‌افزاید: در این تابلو، فضای رشدی که از سنگ انتفاضه تا برافراشته شدن مسجد الاقصی

#### آنچه می‌خوانید

*به نظر می‌رسد محصول هنری پیرامون موضوعات روز، آن را تبدیل به مسئله مردم می‌کند. یعنی به مردم انگیزه می‌دهد که درباره آن موضوع صحبت کنند یا با آن مسئله ارتباط بگیرند. وقتی برای موضوعی، ترانه‌های تولید می‌شود یا رمانی نوشته می‌شود، مردم با آن موضوع بیشتر ارتباط می‌گیرند و درباره آن بیشتر حرف می‌زنند*

(که مسجد هم نماد عظمت است) ادامه می‌یابد را به تصویر کشیدم و سعی کردم که طرح، پیچیده نباشد ضمن اینکه فرصتی هم برای ایجاد پیچیدگی نبود و بیننده بایستی طی زمان کوتاهی به نتیجه می‌رسید.

#### هنر مسائل جامعه را از لایه نخبگانی به لایه مردمی منتقل می‌کند

این فعال فرهنگی درباره بازخوردهای اثرش می‌گوید: بازخوردها بسیار خوب بود، ضمن اینکه میهمانان خارجی همایش هم از این اثر استقبال کردند و این تابلوی نقاشی، زبان گویایی برای بیان حرف‌هایش

داشت. در فضای مجازی هم از این کار استقبال خوبی شد. او با اشاره به خاطره جالبش از اجرای این اثر می‌گوید: برخی می‌گفتند که فقط برای تماشای نتیجه تابلو، به اختتامیه همایش آمدند چون مراحل اجرای آن را دیده بودند، مشتاق بودند که نتیجه کار را ببینند، قطعاً برای مخاطب جذاب است که مسیر تکامل یک اثر هنری را ببیند.

میری که حدود سه دهه از فعالیتش در عرصه گرافیک، نقاشی و نقاشی دیواری می‌گذرد و اکنون وارد فضای ویدئوگرافیک شده است، درباره ضرورت ورود هنرمندان به مسائل روز می‌گوید: به نظر می‌رسد محصول هنری پیرامون موضوعات روز، آن را تبدیل به مسئله مردم می‌کند. یعنی به مردم انگیزه می‌دهد که درباره آن موضوع صحبت کنند یا با آن مسئله ارتباط بگیرند وقتی برای موضوعی، ترانه‌ای تولید می‌شود یا رمانی نوشته می‌شود، مردم با آن موضوع بیشتر ارتباط می‌گیرند و درباره آن بیشتر حرف می‌زنند، در واقع آن موضوع برایشان تبدیل به مسئله و دغدغه می‌شود.

به باور ایسن هنرمند، موضوعات روز برای ارتباط گرفتن با مردم باید از مسیر هنر، ورود پیدا کند تا مردم ذوق و حوصله ارتباط با آن مسئله را پیدا کنند. هنر در هر موضوعی ورود کند، آن موضوع را در جامعه گسترش می‌دهد.

او یادآور می‌شود: اتفاقات رسانه‌ای حاشیه همایش افق نو، آن را مفید فایده می‌کند، مستندها و اخباری که در این باره تهیه می‌شد یا برپایی نمایشگاه پوستر و اجرای تابلوی نقاشی سبب می‌شود که آن موضوع یا حرف، به لایه‌های بعدی اجتماع برسد وگرنه همه خارجی همایش هم از این اثر استقبال کردند و این را از لایه نخبگانی به لایه‌های مردمی منتقل می‌کند.



#### کوتاه و خواندنی

## طنز؛ گونه‌ای امر به معروف و نهی از منکر است



**ایستا:** سعید ییابانکی گفت: طنز نیاز جامعه است، به طوری که معیاری در جهت تشخیص حال خوب یا بد جامعه محسوب می‌شود. این شاعر و طنزپرداز در حاشیه مراسم پایانی دومین جشنواره ملی طنز دانشجویی «تلخند» در زنجان اظهار کرد: بسیاری از معضلات و مشکلات را می‌توان با زبان طنز بیان کرد. طنز گونه‌ای از قریضه امر به معروف و نهی از منکر با زبان شیرین و دلنشین است. ییابانکی همچنین گفت: زیاد نوشتن و زیاد مطالعه کردن اصل مهم در موفقیت محسوب می‌شود؛ چرا که فعالیت در حوزه ادبیات طنز بسیار سخت‌تر از بخش جدی است.

### شب شعر پاسداشت رباعی سرای انقلاب



**ادب و هنر:** چهل و سومین شب شاعر برای پاسداشت استاد میر هاشم میری عصر دیروز در نخلستان سازمان اوج برگزار شد. در این مراسم چهره‌های فرهنگی، ادبی و هنری مانند سید علی موسوی گرمارودی، حسین اسرافیلی، جواد محقق، کامران شرفشاهی، رضا اسماعیلی، محمدرضا سهرابی نژاد و… گرد هم آمدند. میرهاشم میری پژوهشگر، ادیب و شاعر بنام نسل اول انقلاب اسلامی است که معاصر با سید حسن حسینی، سلمان هراتی، قیصر امین پور و… بوده و رباعیاتش از ابتدا مورد تحسین اهالی ادبیات بوده است.

### انتشار کتاب دشمنان و همسایگان عرب و صهیونیست‌ها



**فارس:** کتاب «دشمنان و همسایگان عرب و صهیونیست‌ها در فلسطین و اسرائیل از سالال ۲۰۱۷ – ۱۹۱۷م» از سوی انتشارات پنگون در انگلستان در ۶۰۵ صفحه منتشر شد. این‌ بلک، بیش از سه دهه از زندگی خود را صرف پوشش رویدادهای خاورمیانه کرده است. او اثر خود را با بیان تحولات دهه‌های آخر عهد عثمانی یعنی زمانی که اولین مهاجران یهودی به سرزمین مقدس وارد شدند، شروع کرده و جریاناتی همچون سال سوم جنگ جهانی اول، تسلیم شدن فرماندار اورشلیم به انگلیسی‌ها را نیز مطرح کرده است.



عبارت از «رمان» بود. هم رمان‌های فارسی و

هم رمان‌های ترجمه‌شده از زبان عربی را مثل رمان‌های جرجی زیدان مطالعه کردم و همچنین رمان‌های ترجمه‌شده از زبان‌های اروپایی را که نوشته رمان‌نویس‌های معروف است، مثل میشل زواکو و الکساندر دوما مطالعه کردم.

#### ذوق قدسی

طبیعی بود که من بسا این ذوق ادبی، با ادیبان شهر خودم ارتباط برقرار کنم؛ آغاز آن، حضور در جلساتی بود که در «مدرسه نواب» منعقد می‌شد و «علامه امینی» صاحب کتاب «الغدیر» و دوستی من با ایشان شروع شد و تا آخرین لحظات عمرشان ادامه یافت. یکی از کارهای آقای قدسی این بود که مرا با انجمن شعر فردوسی آشنا کرد.







## گزارش جیی

## خدا عاقبتمان را به خیر کند!



**ایستگاه / امید ظرافتی** | آخرین بار که یک نفر به خودش جرئت داد و از قشر محترم پزشکها انتقاد کرد، نزدیک بود، خودش، سربالش و جد و اباش همه باهم توقیف شوند! پس خدا آخر و عاقبت من، روزنامه و مرحوم جد بزرگم را با این مطلب به خیر کند!
اشتباه نکنید! نمی‌خواهیم راجع به ویزیت‌های نجومی، معاینه‌های دو دقیقه‌ای، فرارهای مالیاتی و اینچور چیزها حرف بزنیم. این بار با پدیده‌ای جدید به نام رشوه دادن به شرکت‌های تجهیزات پزشکی سروکار داریم!
طبق ادعای «پستنا» و برخی روزنامه‌ها، بیشتر شرکت‌های تجهیزات پزشکی، مجبورند ماهانه چندین میلیون تومان به بعضی از پزشک‌های محترم رشوه دهند تا آن‌ها در قبال رشوه دریافتی، بیمارستان را مجبور کنند وسایل پزشکی مورد نیازش را از این شرکت‌ها بخرد و هر شرکت محترمی که از رشوه دادن سر باز بزند و بخواهد اصول اخلاقی این دسته از پزشک‌ها را زیر پا بگذارد، حسابش با کرام الکاتبین است و پزشک‌های عزیز متحد شده و شرکت فلک زده را ورشکست می‌کنند!
اضافه بر این، ۲۰ تا ۵۰ درصد از مبلغی که بیمارستان برای خرید وسایل پزشکی به شرکت‌ها می‌دهد، هم می‌رود توی جیب پزشک محترم و این می‌شود که شرکت‌ها مجبورند چند میلیون تومان بکشند روی قیمت‌هایشان و در نتیجه تمام کالسه و کوزه‌ها سر بیمار فلک زده می‌شکند و قیمت تجهیزات پزشکی هم تا جایی که بیمار دیگر غلط بکند بیدار شود، بالا می‌رود!
اینکه چرا از سوی هیچ مرجع قانونی برخوردی با این تخلف گسترده صورت نمی‌گیرد، هم برای ما سؤال است هم برای شرکت‌های بیچاره!
چندتا از شرکت‌های می‌گویند حتی موضوع را به وزیر بهداشت هم گفته‌اند اما مافیای پزشکی (شما بخوانید دلالی) آن قدر قدرتمند شده که هیچ کس جرئت ندارد به او بگوید: «مافیا جان! بالای چشمت ابرو است!» بعضی از پزشک‌های عزیز! حالا که کسی قصد برخورد با شما عزیزان را ندارد و خود شما هم تعهد به حفظ جان بیمار و سوگند بقراط، سقراط، ارسطو... را فراموش کرده‌اید، عاجزانه از شما خواهشمندم! اگر خواستید چیزی توی بدن بیمار جا بگذارید، لااقل از نوع اصلی‌اش بگذارید نه پاکستانی و چینی!

## نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

### ماشین‌های پرنده کجايند؟

ماهنامه علمی «دیسکاور» در تازه‌ترین شماره خود در گزارش‌های مختلفی به وضعیت انسان در راه آسان‌تر کردن ماجراجویی در آسمان می‌پردازد. این مجله با تیتز چقدر به ماشین‌های پرنده نزدیک هستیم؟ یکی از رؤیاهای کارگردان فیلم‌های علمی تخیلی در مورد آسمان‌های پر از اُتومبیل شهر را بررسی می‌کند و البته نیم نگاهی نیز به آخرین اکتشافات انسان در مورد جت‌پک‌ها و سفر در زمان دارد. دیسکاور مقاله جالبی نیز در خصوص ندان‌های کودکان دارد و نشانه‌های هر کدام از آن‌ها را در دوران مختلف معرفی می‌کند.

### شخصیت پنهان در چشم شما

هفته نامه «نیوساینتیست» چاپ انگلیس در تازه‌ترین شماره خود در مقاله‌ای با عنوان «ازهای غروب کیهانی» اولین دستاوردهای دانشمندان را با استفاده از رهگیری امواج باقی مانده در کهکشان از اولین ستارگان هستی که میلیون‌ها سال پیش از بین رفته‌اند، مورد بررسی قرار داده و معتقد است این نتایج به هیچ عنوان با عقل و منطق دانشمندان نجوم سازگار نیست. نیوساینتیست همچنین در مقاله‌ای با عنوان «پنجره هایی بر روی وجود انسان» می‌گوید همان گونه که در افسانه‌های قدیمی چشم مظهر ظهور بسیاری از جنبه‌های وجودی انسان بوده، از دیدگاه علمی نیز ثابت شده که چشم انسان می‌تواند به صورت کامل شخصیت یک فرد را نشان دهد.

### جزیره اسرار آمیز

ماهنامه «ولنی پلنت» که یکی از مشهورترین نشریات در زمینه سفر و فرهنگ‌های مختلف است، در تازه‌ترین شماره خود به سراغ کشور یونان رفته است. این مجله در گزارش خود بسا عنوان «یونان مخفی» تأکید می‌کند که این کشور شرق اروپا تمام جذابیت‌های خود را مدین جزیره‌های پرتعداد اسرارآمیزش است که بسیاری از توریست‌ها حتی نام آن را نیز نشنیده‌اند. لولنی پلنت بخش‌های ویژه‌ای را نیز به جذابیت‌های شهر آمستردام در هلند و همین طور منطقه اسرارآمیز پاتاگونیا در جنوب دو کشور آرژانتین و پرو اختصاص داده است.

### گزارش از رویداد

# تروریست خوب!

### چه کسانی، اردیبهشت ۵۹ به سفارت ایران در لندن حمله کردند؟

**ایستگاه /** مجید تربت زاده | ۱۶ روز از ماجرا گذشته بود که مقام‌های انگلیسی سرانجام به حرف آمدند؛ به خبرگزاری آمریکایی «آسوشیتدپرس» روز ۲۶ اردیبهشت سال ۵۹ به نقل از منابع و مقام‌های نامعلوم انگلیسی اعلام کرد: «قاتل دو دیپلمات ایرانی در حادثه اشغال سفارت ایران در لندن، یک عرب عراقی به نام «فوزی بداوی» است که هم اکنون در زندان به سر می‌برد و چندین بار نیز با نامه و تلفن تهدید به مرگ شده است».
پنهانکاری و سکوت انگلیسی‌ها و رسانه هایشان، ماجرا را مشکوک‌تر و پیچیده‌تر می‌کرد. اگر چه نیروهای ویژه انگلیسی ۶ روز بعد، سفارت را از اشغالگران پس گرفته بودند، اما ۱۰ روز طول کشیده بود تا هویت یکی از گروگانگیرها را «آسوشیند پرس» افشا کند. خدا می‌داند این بار چه کالسه‌ای زیر نیم کاسه انگلیسی‌ها بود که با مخفی کاری و دو دوزه بازی داشتند ماهیت ماجرای حمله به سفارت ایران را جور دیگری جلوه می‌دادند؟!

### اصلاً ماجرا چه بود؟

روایت‌ها و اخبار رسمی، ماجرا را به این شکل تعریف می‌کنند: «ساعت ۱۱ و نیم روز ۳۰ آوریل ۱۹۸۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ - ۶ فرد مسلح که خود را اهالی عرب استان خوزستان معرفی می‌کردند، با هجوم به داخل سفارت ایران در لندن، ۲۶ تن از کارکنان و مراجعان را گروگان گرفته و ساختمان را به اشغال خود درآوردند. گزارش‌های اولیه ارسالی وزارت خارجه بریتانیا درباره این حادثه حاکی از عراقی بودن مهاجمان است... دو تن از مردان مسلح که سر و صورتشان را با چغیه عربی قرمز و سفید پوشانده بودند وارد اتاق اصلی گروگان‌ها شدند. ۱۷ نفر از اعضای سفارت، هشت نفر مراجعه‌کننده و یک نفر پلیس نگهبان سفارت از حمله گروگان‌ها

هستند... در میان آن‌ها دو نفر کارمندان بی‌بی‌سی و دو نفر روزنامه‌نگار نیز حضور دارند...».

### آن‌ها چه می‌خواستند؟

اسم گروهبشان را «الشهید محی الدین ناصر» گذاشته بودند و گاه خودشان را عضو سازمان سیاسی خلق عرب مسلمان ایران و گاهی هم جبهه دموکراتیک انقلابی برای آزادی خوزستان معرفی می‌کردند. آن‌ها در یک تماس تلفنی با خبر بخش برون مرزی بی‌بی‌سی، بیانه‌ی شان را خواندند، اول از دولت انگلیس به خاطر این عملیات عذرخواهی کرده و سپس اعلام کردند: «خواستما ما آزادی ۹۱ عرب از زندان‌های عربستان (خوزستان) و خودمختاری خوزستان می‌باشد... دولت ایران ۲۴ ساعت مهلت دارد که این ۹۱ نفر را آزاد کند و با هواپیما به لندن بیاورد. موقی که این هواپیما به لندن رسید، ما به همراه گروگان‌ها به یک پایتخت عربی در خاورمیانه پرواز خواهیم کرد و در آنجا گروگان‌ها آزاد خواهند شد. در غیر این صورت همه گروگان‌ها را خواهیم کشت». صادق قطب زاده وزیر خارجه وقت ایران در پاسخ به این تهدید گفته بود: بگذارید چنین کنند!

### مشکل سفارت آمریکا را حل کنید!

ماجرا اصلاً از یک حمله و گروگانگیری سیاسی - تروریستی بودارت است. این را به چند دلیل می‌گوییم. اول اینکه پلیس انگلیس در روزهای نخست، ماجرا را نه تروریستی که سیاسی و خلقی اعلام می‌کند. دوم اینکه همه‌ها روز اول، پیامی غیررسمی و غیر دیپلماتیک از انگلیس به ایران می‌رسد که: «اگر می‌خواهید مشکل سفارتتان حل شود، مسئله سفارت آمریکا و گروگان‌های آمریکایی در تهران را حل کنید!» خبر رسیدن این پیام به ایران را رهبر کنونی انقلاب دو روز بعد در خطبه‌های نماز جمعه ۱۲ اردیبهشت ۵۹ اعلام می‌کنند. سوم اینکه پلیس و نیروهای انتظامی انگلیس ۶ روز تمام

دست دست می‌کنند و کوچک‌ترین اقدامی برای نجات گروگان‌ها انجام نمی‌دهند. چهارم اینکه نیروهای یگان هوایی ویژه «اس آ اس» روز ششم و بعد از اینکه گروگانگیران، وابسته مطبوعاتی سفارت عباس لواسانی - را به شهادت می‌رسانند وارد عمل شده و پیش از هر کاری همه گروگانگیران تسلیم شده را می‌کشند!

### نیاید زنده بمانند

۲۸ سال از گروگانگیری می‌گذرد، اما هنوز نقاط تاریکی در باره ماهیت این ماجرا، گروگانگیران و اهدافشان وجود دارد. مطبوعات انگلیسی هم چند ماه بعد علامت سؤال‌های بسیاری را جلوی اخبار منتشر شده و رسمی این گروگانگیری قرار دادند. منابع موثق که نخواستند بودند نامشان فاش شود، گفته بودند که عملیات نجات گروگان‌ها با دستور تأکید بر اینکه: «هیچ کدام از گروگانگیرها نباید زنده بمانند» انجام شده است! با همه سماجتی که برخی خبرگزاری‌های و خبرنگاران به خرج دادند، نتوانستند برای این پرسش‌ها پاسخی پیدا کنند که چگونه با وجود نظارت‌های شدید پلیسی در لندن، ۶ تروریست با گذرنامه عراقی به این شهر وارد می‌شوند، روزهای زیادی در آپارتمانی اجارهای سکونت دارند و بد مستی‌ها و زن بارگی‌هایشان سبب می‌شود همسایگان به پلیس شکایت ببرند، بدون تحقیقات و زیر نظر گرفتن سفارت ایران، یکبار به‌امسلسل توی خیابان‌های شهر راه می‌افتند، به آسانی وارد سفارت می‌شوند و... سرانجام در حالی که پیش از آغاز عملیات نجات، سلاح خود را از پنجره به بیرون انداخته و به نشانه تسلیم پرچم سفید نشان داده‌اند، کشته می‌شوند؟

### دکتر افروز

دکتر «غلامعلی افروز» را لابد می‌شناسید. البته قرار

### چرا؟

به دوستانم گفتم: «بابا بهش بگو ما پیک نیک می‌بریم توی غارامون و پخت و پز می‌کنیم، خیلی سخت نگیر». از آن زمان تا به حال به بناهای تاریخی فراوانی در داخل کشور سر زده‌ام و کمتر جایی بوده است که از یادگاری‌های هموطنان فهیم و فرهنگ دوست در امان مانده باشد!
باور می‌کنیم که این گروه از هموطنان هم فرهنگ دوست‌اند که اگر نبودند به دیدن بناهای تاریخی نمی‌رفتند البته درباره فهیم بودنشان بحث است! عکس این مطلب هم یکی از همان مدارک فرهنگ دوستی است. نمی‌دانم الان وجهیه خانم و آقا آرش کجا هستند و چه می‌کنند؟ اما امیدوارم اگر به خیر و خوشی به هم رسیده‌اند، با دیدن این عکس لااقل به فرزند خود- حالا پسر یا دختر فرقی نمی‌کند- یاد‌دهند که روی دیوارهای تاریخی چیزی ننویسند فرقی هم ندارد تخت جمشید باشد یا کرخ ورشید در کلات نادری که این عکس را آن جا گرفته‌ام.



گروگانگیرها که تسلیم شدند، آن‌ها را رو به دیوار ایستاندند و همه را کشتند...!

### زندگی خوب و راحت

یک نفر از گروگانگیران اما خودش را قاطعی گروگان‌ها جا زد و زنده ماند. وقتی پیدایش کردند که دیگر نمی‌شد جلوی دوربین خبرنگاران او را کشت. انگلیسی‌ها «فوزی بداوی نژاد» را ۱۰ روز بعد رونمایی و قاتل دیپلمات‌ها معرفی کرده تا اینکه انگلیسی‌ها در خواست‌های وزارت خارجه با محاکمه او پرونده این ماجرا را ببندند. جالب آنکه انگلیسی‌ها در خواست‌های وزارت خارجه کشورمان برای تحویل «بداوی نژاد» به ایران را غیر علنی بر گرزار و «فوزی بداوی نژاد» به حبس ابد محکوم شد. اصرارهای ایران برای حضور یک نماینده در دادگاه نیز بی پاسخ ماند. قرار نبود کسی از سخنان، هویت و اهداف واقعی گروگانگیران با خبر شود. سال ۷۹ موکلاتش برای آزادی او تلاش کرد، اما وزیر کشور انگلیس مخالفت کرد. سال ۸۴، روزنامه «تایمز» خبر داد که تلاش‌هایی برای آزادی او و همچنین اعطای تابعیت انگلیسی به او در جریان است! ۱۸ مهر سال ۸۷ رسانه‌های انگلیس این بار هم به نقل از منابع نامعلوم خبر آزادی‌اش را منتشر کردند. اردیبهشت سال پیش نیز رسانه‌ها فیلم‌ها و عکس‌هایی از «بداوی نژاد» منتشر و اعلام کردند: «تنها بازمانده تروریست‌های حمله‌کننده به سفارت ایران از یک زندگی راحت و امکانات رایگان در انگلیس برخوردار است»!



### روزمره نگاری

## این امامزاده، دست هایش پُر است

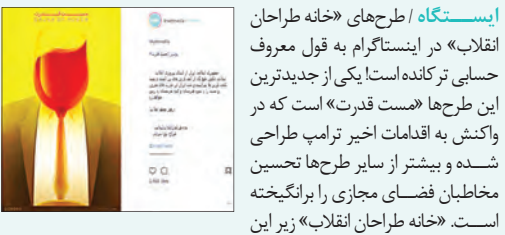
**ایستگاه /رقیه توسلی** | مدتی بود دلم پی این «بزرگ نام» می‌گشت و مترصد اولین فرصتی که بروم برای زیارت و عرض ادب و عقده گشایی، از زائری شنیده بودم که اگر حال خوش می‌خواهی - این امامزاده - دست هایش پُر است.
سرانجام روزی که کاسه صبر و قرار، لبریز و دلتنگی بی‌آمانم کرد، صدا می‌زنم: «یا سید ابوصالح... نه یکبار، بارها و بارها و بارها.
و ساعتی بعد خودمان را در جاده‌ای جنگلی و کوهستانی می‌بینم که می‌خواهد برسد به روستایی آرام... فراد، راهی شدن بود و نیت دیدار که داشت رُخ می‌داد.
کمی کمتر از دو ساعت، پا نگذاشته در آستانه مبارکه حضرت در مرتفع‌ترین ناحیه روستا از خود بی خود شده بودیم... عاشق شده بودیم، وقتی بیرون بارگاه آجری سید ابوصالح بن موسی بن جعفر(ع) دعای ورود می‌خواندیم، اثری از خودم و بساط غم‌های عالم نبود.
عزیزانی را دیدم که به یمن آمدن ماه نازنین رمضان، دست بر گوشه و کنار می‌کشیدند... می‌شستند و جارو می‌کردند و صلوات می‌فرستادند... حالشان، نای و نوایی داشت... شوری داشت.
بعد سلام و نماز، دیدم صدایم دیگر از زور غم، نیم نیست... دلهره‌های غلتان را هم پیدا نمی‌کردم. مشغول خلوت و ذکر و شکر بودم که کودکی با مادر بزرگش وارد بارگاه می‌شوند با صدای «یا سیدابوصالح» جان، دخیلیم... بانوی اشک آلود، نرسیده سر می‌گذارد به دعا و استغاثه... می‌فهمم که دلش آشوب است... از نواش که می‌گوید خانوم، مادرم رفته کجا!
از درد چند تکه می‌شود دوباره قلمب؛ خودتان را بگذارید جای من... جای غریبه‌ای که دختر کوچکی، توی صورتش می‌گوید اگر من برای مادر شما دعا کنم، شما برای مادرم دعا می‌کنید؟
خودتان را بگذارید جای من... یا سید ابوصالح را با «یا الله الشافی» پُر نمی‌کنید؟ با اشک هایی که برای مادران بیمار فرو می‌چکد؟ یا کودک دلبسته‌تر را به آغوش نمی‌کشید و در گوشش نمی‌گویید: عزیزکم، خدا حواست را مادرها هست؟ به مهرها و جانمازها ترتیب دادم همان طور که برای شفای بیماران دعا می‌کردم، برای شادی ارواح درگذشتگان و برای خویابی که چراغ امامزاده را روشن نگاه می‌دارند.

## دست نشانده اسرائیل



به این اتفاق در اینستارگرم نوشت: «به بهانه حادثه‌ای علیه برخی یهودیان در جنگ جهانی، هفتاد سال است که مسلمانان را می‌کشند. در فلسطین انسانیت را به قربانگاه برده‌اند. قتل عام فلسطینی‌ها جانبیت علیه تمام بشریت است. در تاریخ آمریکا هیچ رئیس جمهوری به اندازه ترامپ، دست نشانده اسرائیل نبوده است.»

## مست قدرت



عکس بخشی از سخنان رهبر انقلاب را منتشر کرده که در ادامه آن را می‌خوانید: «جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون هیچ گاه از اخم کردن‌های بین‌المللی و صدا کلفت کردن‌ها نهراسیده و ملت ایران این قدرت‌های مغرور و مست را با شیوه هنرمندانه و البته خردمندانه به زمین خواهد زد.»

## آقای گل در حرم رضوی



امام رضاع) رفته و رئیس هیئت فوتبال خراسان هم عکسی در کنار این بازیکن در صفحه اینستارگامش منتشر کرده و نوشته است: «امروز با علیرضا جهانبخش به حرم امام زئوف رفتیم. مطمئنم که آقای گل هلند، در جام جهانی، جهانی خواهد شد. برای موفقیتی او و تیم ملی دعا کنیم.»